

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بروس ریچاردسن
مترجم: میر عبدالرحیم عزیز

افغانیکه نمیخواهد بجنگد

بروس ریچاردسن (Bruce Richardson) نویسنده معروف امریکائی در امور افغانستان مضمونی را تحت عنوان "افغانیکه نمیخواهد بجنگد" بتاريخ ۲۲ می سال ۲۰۰۳ برشته تحریر در آورده بود که اینک ترجمه آنرا غرض آگاهی بیشتر هموطنان به ارتباط حقایق تاریخی کشور تقدیم میدارم.

در سال ۱۹۸۳ زمانیکه احمد شاه مسعود تصمیم گرفت که دیگر علیه قوای اشغالگر شوروی نه جنگد، سی آی ای (CIA) به این نتیجه پریشان کننده رسید که احمد شاه مسعود در یک معامله سری با شوروی داخل شده بود. چیزیکه مسبب ناراحتی شد این بود که این بار اول نبود. در سال ۱۹۸۱ و بعداً در سال ۱۹۸۲، احمد شاه مسعود از جنگ به نفع روس ها منصرف گردید در عوض، مسکو تهیبه یک مقدار مواد غذائی، پول و ترک آن منطقه را به نفع احمد شاه مسعود وعده داد. این یک منطق ضعیف است که حامیان مسعود بکار برده و او را قهرمان میخوانند. در حقیقت همین عمل احمد شاه مسعود بود که باعث تمدید جنگ در سائر نقاط کشور گردید. حینیکه قشون ۴۰ نظر به خیانت احمد شاه مسعود از پنجشیر آسوده شد، تمام قوت آتش خود را بسوی جنوب، غرب و جنوب شرق افغانستان متمرکز ساخت و در سراسر دوره اشغال کشور مسعود در خدمت ولینعمت های روسی خود باقی ماند.

سی آی ای (CIA) گمان نمود که درین وقت به تعداد سه صد قومندان مهم در جنگ علیه شوروی فعالیت دارند. عامل عمده منطقوی و جغرافیائی، احمد شاه مسعود را فرد عمده جلوه داد. دره محصور پنجشیر به پایتخت و میدان های هوائی که قوای ۴۰ در آن متمرکز گردیده، نزدیک است. روس ها به اهمیت ستراتیژیک خطوط مواصلاتی شاهراه سالنگ برای وسائل مخابراتی و تهیبه مواد برای قوای اشغالی خود پی برده و میدانستند که قوای شان از حیرتان تا کابل با در نظر داشت مانع طبیعی هندوکش و در صورت جنگ واقعی بسیار آسیب پذیر خواهد بود. واقعاً که روس ها به امنیتی درین منطقه ضرورت داشتند که بتوانند جنگ را در سائر نقاط کشور طبق دلخواه پیش ببرند. جنرال گروموف روسی قومندان قوای ۴۰ اظهار داشت که: "مسعود اگر میخواست میتواندست صرف با پرتاب پاچه های سنگ این منطقه را به قبرستان قوای روس تبدیل کند. ما اصلاً نمیتوانستیم بدون باز بودن این راه یک روز را هم بقا نماییم."

سازمان سی آی ای (CIA) فهمید که از نگاه جغرافیائی، دره پنجشیر یک منطقه کلیدی به شمار میرود. در سال ۱۹۸۳، سی آی ای، گوست افرا کوتوس (Gust Avrakotos) کفیل اداره عملیات جنوب آسیا را به لندن فرستاد به این اعتقاد که سازمان امنیت خارجی انگلیس MI6 قبلاً رابطه مخفیانه را با مسعود بر قرار کرده است. سی آی ای (CIA) همچنان درک نمود که احمد شاه مسعود بار دیگر جنگ را علیه روس ها متوقف ساخته است. درین وقت، قانون امریکا اجازه نمیداد

که مامورین رسمی امریکا به افغانستان سفر نمایند، بناً تماس مستقیم با مسعود ناممکن بود. مامورین امنیتی و کماندو های SAS انگلیس با مانعی مواجه نبودند و وقتاً فوقتاً به دره پنجشیر سفر میکردند. طبق اظهاریه افرا کوتوس، مسعود به مامورین امنیتی انگلیس شکایت کرده بود که وی و حامیانش مقدار کمی از کمک های نظامی را از طریق ISI پاکستان بدست میاورند و روی این دلیل از جنگ علیه قوای شوروی منصرف شده بود. MI6 همچنان به افرا کوتوس (Avrakotos) گفت که آن سازمان يك خط مستقیم کمک رسانی را برای مسعود که مستقل از ISI پاکستان بوده، تا سیس نمود. رئیس شعبه سی ای ای (CIA) در منطقه، هاورت هارد (Howard Hard) عمیقاً نسبت به احمد شاه مسعود مشکوک شده و حتی قهر گردید که چرا وی کاروان لاری ها و تانک های روسی را در مسیر شاهراه سالنگ مورد حمله قرار نمیدهد. هاورت هارت (Howard Hart) نظرات و شك و تردید خود را در مورد مسعود به مرکز سی ای ای (CIA) فرستاد. تشویش دیگر اینکه، طبق اظهاریه فدیتوف (Fedetov) روسی، مسعود کماندو های قوای هوایی شوروی را به حیث محافظین شخصی خود استخدام نموده بود. اسمای دو نفر از کماندو ها عبارت بودند از اسلام الدین (Islamutdin) و اسام الدین (Isometdin).

سندی گال (Sandy Gall) نویسنده انگلیسی اظهار میدارد که MI6 بوی دستور داد که يك فیلم تلویزیونی از مسعود تهیه کرده و نشان دهد که مسعود يك نابغه نظامی است. جنرال گرو موف (Gromov) روسی می نویسد که بعضاً مسعود جنگ های ساختگی را با قوای ما براه می انداخت تا شك و تردید نسبت بوی تقلیل یابد. این گفتار گروموف توسط آمر دیپارتمنت اول کی جی بی (KGB) شیبارشین (Shebarchin) هم تائید شده است. وی در کتاب خود به اسم "ست مسکو" نوشت که تمام عملیات نظامی قوای شوروی در پنجشیر و ناکامی آن جعلی بوده است.

در سال ۱۹۸۴، مامور سی ای ای (CIA) به اسم گست افراکوتوس (Gust Avrakotos) که در میان همکاران خود نسبت فعالیت های مخفی اش در دور جهان بنام "دوکتور کثیف" معروف است بسوی پشاور پرواز نمود تا با برادر احمد شاه مسعود در عقب هوتل دین ملاقات نماید. درین دیدار، مامور CIA به برادر مسعود اظهار داشت که CIA يك حساب بانکی برای مسعود در یکی از بانک های سویس باز خواهد کرد و يك خط ارسال اسلحه مستقل از ISI را هم بجدد خواهد آورد. سوال درین جاست که چرا امریکا و انگلستان احمد شاه مسعود را کمک نمودند؟

هم سی ای ای (CIA) و هم سازمان امنیت خارجی انگلیس MI6 بدون هیچگونه تردید آگاه بودند که احمد شاه مسعود قراد های مخفی با شوروی منعقد کرده بود. پس چه انگیزه ای امریکا و انگلستان را وادار ساخت تا به فعالیت های ضد شوروی خود ادامه دهند در حالیکه یکی از دریافت کنندگان کمک های شان یعنی احمد شاه مسعود از دل و جان مخفیانه با شوروی همکاری میکرد. بروس ریچاردسن مناقشه می نماید که ممکن است یکی از دلایل که ظاهراً غیر منطقی جلوه میکند این باشد که انگلستان میخواست تا انتقام شکست خود را در قرن ۱۹ از قبایل پشتون بگیرد و بناً امریکا و انگلستان در سدد آن شدند تا شخصی را در قوم تاجک پیدا نمایند و به حمایت وی پردازند. با جود کشمکش عمیق بین امریکا و شوروی، حد اقل این دو کشور بر يك مسله وجه مشترک داشتند: حمایت از احمد شاه مسعود در آینده. شکست تحقیر آمیز انگلستان در افغانستان در قرن ۱۹ از جانب قبایل پشتون هر گز فراموش برتانیه نمیشود. امریکا هم در اواخر جهاد افغانستان علاقمندی زیادی به موفقیت نظامی در افغانستان داشت و يك تعداد از اعضای سی ای ای در آن وقت بطور تحقیر آمیزی از پشتون ها یاد میکردند، بناً هیچگونه نگرانی در مورد وقوع جنگ داخلی نداشتند و حتی معتقد بودند که زدو خورد داخلی باعث خواهد شد که تند روان اسلامی نتوانند به آسانی به قدرت برسند. بروس ریچاردسن معتقد است که چنین طرز دید خط مش اداره بوش را هم نسبت به پشتون ها تحت تاثیر قرار داده است. در روز های اول حمله امریکا بر افغانستان، سی ای ای سعی نمود که با نشرات جعلی، نفوس پشتون ها را از نگاه احصائیوی نا چیز جلوه دهد. سی ای ای به این اعتقاد بود که با به قدرت رسیدن احمد شاه مسعود، يك حکومت متمایل به غرب را در افغانستان تشکیل خواهد شد. اما نشر کتاب "از میان چشمان دشمنان من Through My Enemies Eyes" این را ثابت ساخت که احمد شاه مسعود مطبوعات و سیاستمداران غرب را در مورد طرز دید سیاسی ضد غربی خود، روابط صمیمی اش با شوروی و بی اعتناهی وی به حقوق زن که برای بیش از ۲۰ سال ادامه داشت، فریب داد.

پولیکه بوسیله سی ای ای (CIA) و MI6 برای وی در بانک های سویس ذخیره شده بود درحقیقت به مردم افغانستان تعلق داشت و دارد و نباید به مصارف شخصی مسعود و فامیلش میرسید. این حساب بانکی که در سال ۱۹۸۴ در سویس تاسیس گردید، دلیل اصلی مناقشه بین فهیم و برادران احمد شاه مسعود می باشد. فهیم ادعا دارد که این پول جز ملکیت شورای نظر است، در حالیکه برادران مسعود تاکید میورزند که این پول به فامیل مسعود تعلق دارد و هر طوریکه لازم دانند از آن مستفید خواهند شد. ثروت فعلی اسمعیل خان، برهان الدین ربانی، فهیم و دوستم به صد ها میلیون دالر بالغ میشود. بر علاوه،

هر کدام این افراد نا صالح از خانه های لوکس، موتر های سال، غذا های بی نظیر و حوض های گرم برای آب بازی لذت میبرند در حالیکه میلیون ها افغان در فقر و گرسنگی دست و پا میزنند. جای تعجب اینکه این افراد خود را نماینده و حامی مردمی میدانند که از فرط گرسنگی و غربت در حال مردن اند.

این بیعدالتی و حشتناکی است که بوسیله سازمان های امنیتی امریکا، روس، ایران، برتانیه و سایر کشور ها خلق شده است و حقوقدانان برجسته جهان مصمم اند تا در آینده جلو چنین خود سری ها و بیعدالتی ها را بگیرند. این امیدواری وجود دارد که حقوق دانان ورزیده سعی نمایند که پول و ثروت هنگفتی که فعلاً در دست جنگ سالاران و جانیان قرار دارد و باعث تقویه موضع ایشان در مقابل ملت میگردد از دست ایشان خارج ساخته شده و برای مردم افغانستان و کشور شان به مصرف برسد. جامعه شناسان طراز اول جهان معتقدند که مردم افغانستان از نتایج مصیبت بار جنگ های تحمیلی رهائی نخواهند یافت مگر اینکه چنین اشخاص درنده خو از قدرت بیافتند. بد بختانه در افغانستان، کلیه جنگ سالاران مشتری روسیه، امریکا، ایران، برتانیه و سایر کشور ها اند و در عوض مردم افغانستان در رنج و عذاب ستمگران بسر میبرند.

معامله مخفی مسعود با مسکو بود که روس ها سر زمین وسیع در شرق و جنوب افغانستان را منهدم کردند. قریه جات نابود گردید، کانال های آبیاری بخاک مبدل شدند، حیوانات اهلی مردم طور فجیعی زیر کشتار رفتند، محصولات زراعتی و غذائی سوختانده شدند و مردمان بیگناه این مناطق یا بقتل رسیدند و یا اینکه از اثر شکنجه و عذاب مردند و یا فرار کردند. این میراث دایمی معامله مخفی احمد شاه مسعود با روس ها خواهد بود.

بروس ریچاردسن مینگارد که عدالت از مسیرش انحراف نموده است. به اثر قوه آتش امریکا و فعالیت دیپلماتیکی این کشور، حلقه اول حامیان مسعود بر اریکه قدرت رسانیده شدند. در يك حادثه تاریخی، جانیان که با مسعود همکار بودند و کشور را بسوی تباهی بردند و آنرا به دالر و روبل فروختند حالا هرم سیاسی افغانستان را تشکیل میدهند. غرض مشروعیت بخشیدن به غضب قدرت و اعمال ضد بشری شان، حامیان مسعود و مافیای پنجشیر وجه احمد شاه مسعود را طور دروغین بالا برده و بیشرمانه سعی میکنند که وی را قهرمان ملی جلوه دهند. درین لحظات که جهان در خواب غفلت است، جانیان شرکت جنائی مسعود همراه با مطبوعات غیر مطلع فعالیتی را براه انداخته اند تا مردم و جهان گناهان و جنایات علیه بشریت ایشان را ببخشند و به قهرمان ساختگی شان لقب ولی مقدس را اعطا نماید. مسولیت این حادثه ناگوار بدرجه اول متوجه کشور های حامی این افراد جنایت پیشه است. روسیه، امریکا، ایران، برتانیه و سائرین، کشور های اند که این مسولیت را با خود حمل خواهند کرد. این کشور ها طبق معمول جانیان را استخدام میکنند تا حکومت دلخواه خود را بوجود آورند و یا اینکه تابع اوامر شان گردند.